**ايراد كار كجاست؟**

این روزها در بسیاری از محافل طلبگی صحبت از چگونگی به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته ای است. صحبت از دغدغه ها ونگرانی هاست، صحبت از عقب نشینی هاست، صحبت از عدولِ از ارزش هاست. صحبت از مقصرهاست...

چه کسی به دنبال آغاز و پیگیری مذاکرات با شیوه های جدید بود؟ چه افرادی به دنبال حل مشکلات داخلی از مسیر تغییر در سیاست های خارجی نظام بوده اند؟ چه تفکری چشم امید به بیرون از مرزها داشت؟ چه جریانی می گوید با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؟  چه  تصمیم گیرانی معتقدند؛ تحمیل قدرتهای مستکبر را در بخشهای گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان پیشرفت پیدا کند؟

اگر نگاهی گذرا به توصیه های رهبری پیرامون رویکرد مذاکره ای در حل مشکلات داخلی بیاندازیم، به چند نکته مفید در جهت پاسخ به سؤالات مذکور، رهنمون خواهیم شد؛

1. شروع این روند از چندین ماه پیش از شروع بکار دولت یازدهم می باشد؛ برای نمونه فرمایشات ایشان در 19 دی ماه سال 91:

« مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمیکند؛ کجا اینها به وعده‌های خودشان عمل کردند. شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند.»

 « سیاست خاورمیانه‌ای آمریکایی‌ها دچار شکست شده و آنها احتیاج دارند به اینکه یک برگ برنده‌ای را به قول خودهاشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامیِ انقلابیِ مردمی را، پای میز مذاکره بکشانند. »

« امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را مجدداً در این کشور بر قرار کنند و از منافع ملی، پیشرفت علمی و حرکت مستقل صرف‌نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت. »

 28 اسفندماه 91 :

« دولتمردان آمریکائی غیر منطقی حرف میزنند. با گفتگو کننده‌ی غیر منطقی، نمیشود انسان بنشیند به اتکاء منطق حرف بزند.....هدف آمریکائی‌ها این است که با وعده‌ی برداشتن تحریمها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره‌ی با آمریکا پیدا کند. »

 اول فروردین ماه 92:

«مسئولین بلندپایه و مسئولین میانی آمریکا بارها و بارها میگویند بیائید در کنار گفتگوهای 1+5 که درباره‌ی مسائل هسته‌ای بحث میکنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دو به دو، درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای ایران بحث کنند.»

 در نتیجه عامل شکل گیری روند کنونی در مذاکرات، دولت و تیم مذاکره کننده جدید نبوده اند، چون اساساً این موضع گیری های مقام معظم رهبری پیش از روی کارآمدن دولت یازدهم می باشد.

1. مخاطب اصلی همه ی این توصیه ها آحاد عمومی ملت ایران می باشند؛ در نتیجه نقش کلیدی متوجه ملت ایران است، هم ملت است که فرمان مذاکره را صادر می نماید ، هم ملت است که با امید خود میز مذاکره را برقرار نگاه می دارد و هم همین ملت است که در صورت بیداری، به هر وسیله ای خواستار پایان مذاکرات می گردد.
2. رهبری خوشبین نیستند ولی مخالفتی هم ندارند؛ در نتیجه رهبری هدف خاصی را از نتایج مذاکرات اخیر پیگیری می نمایند و با آن که نتایج احتمالی آن را در نظر دارند ورودی به سرنوشت آن نخواهند داشت.

لذا عامل اصلی شروع کننده روند کنونی چیزی نیست جز خواست عمومی ملت ایران. رهبری در تاریخ 4 آذرماه 93 در این باره می فرمایند: « هم در زمینه‌ی تحریم، هم در زمینه‌ی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ اِن کُنتُم مُؤمِنین؛ اگر ما [مؤمن باشیم‌]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.» دشمن توانست با اعمال فشارهای اقتصادی گزینه مذاکره رودرو و 2 به 2 با امریکا را برای کاهش فشارها در برابر ملت ایران قرار داده و آنان را پای میز مذاکره نگاه دارد. طبیعتاً تا زمانی که توجه افکار عمومی ملت همچنان به این مذاکرات بوده و چشم امیدی به گره گشایی های این مسیر داشته باشند این روند ادامه خواهد یافت و در صورت ایستادگی ملت است که این جریان پایان خواهد پذیرفت. لذاست که رهبری انقلاب در تاریخ 19 دیماه سال 92، پیرامون نتایج و عاقبت زیاده خواهی های امریکا می فرمایند:

« وقتی دشمن نگاه کرد، دید یک ملّتی عازم است، ایستاده است، تصمیم دارد کار خودش را پیش ببرد، آن دشمن ناچار به عقب‌نشینی میشود؛ همین هم هست. این اشتباه آنها را ملّت ایران به هم خواهند زد. »

 هدف اساسی نظام اسلامی نیز از نتایج مذاکرات اخیر شکل گیری یک تجربه تاریخی مؤثر در اذهان عمومی ملت ایران است، تجربه ای که ثابت می نماید در هیچ موضوع و در هیچ زمانی نبایست چشم امیدی به استکبار داشت. در همین راستا مقام معظم رهبری در تاریخ 12 آبان ماه 92 فرموده اند:

« من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملّت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملّت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد امّا لازم است ملّت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعّالیّت میکنند، کار میکنند، قرص و محکم حمایت میکنیم، **امّا ملّت باید بیدار باشد، بداند چه اتّفاقی دارد می‌افتد** [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های مواجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزدومواجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. »

بنظر می آید، اگر افراد و یا جریان هایی به دنبال پی جویی و به سرانجام رساندن این اهداف سرنوشت ساز می باشند، بایستی از مسیر ارائه تحلیل ها و اطلاعات دقیق روند بیدارسازی ملت ایران را تسریع بخشند در غیر اینصورت بلندگوهای طرف مقابل خواهند توانست از شکل گیری چنین تجربه ای مجدداً جلوگیری نماید.

در این بین نقش روحانیت و به خصوص مبلغین دینی که همواره چشم تیزبین امت بوده و در مقاطع گوناگون تاریخی با جلوداری، از منافع ملی و دینی عموم مردم پاسداری نموده اند، در راه بیدارسازی ملت و دعوت عمومی به یک ایستادگی تاریخی و  برهم زدن دسیسه های دشمن  بسیار برجسته و خطیر می باشد.